

تکمله ای بر گزارش آرش شماره ۱۰۰ درباره سازمان پیکار

تراب حق شناس ، ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۷

در آرش ۱۰۰ بخشی به سازمان های چپ اختصاص یافته است تحت عنوان "مروری بر سازمان های چپ در تبعید" (ص ۴۲۴ تا ۴۴۶). در این میان کمتر از يك ستون هم در ص ۴۳۹ گزارشی درباره سازمان پیکار نقل شده است (برگرفته از سایت اندیشه و پیکار <http://www.peykarandees.org/peykarIndex.html>). آرش می خواست پس از گزارشی که خود تهیه می کند، من به طور خلاصه بگویم که پس از سال ۱۳۶۰ پیکار چه شد. من متن زیر را برای آرش فرستاده بودم ولی به دستشان نرسیده بود. اینک پس از انتشار در شماره ۱۰۱ آن را در اینجا می آوریم:

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ظرف تشکیلاتی جریانی سیاسی، انتقادی و رادیکال بود که از نقد نهضت آزادی به سازمان مجاهدین خلق و بعد با نقد آن به مجاهدین م. ل. و سپس با نقد آن به سازمان پیکار رسید. پیکار طی قریب سه سال فعالیت خود، علیه رژیم جمهوری اسلامی و نیز فرمیسم و مواضع سیاسی جریان های دیگری که انحرافی می دانست به مخالفت برخاست و به دفاع از افکاری پرداخت که خوشایند رژیم و بسیاری دیگر نبود. اما ضربات مهلکی که رژیم جمهوری اسلامی از سال ۱۳۶۰ بر پیکار اپوزیسیون انقلابی وارد آورد و پیکار از نخستین آماج های آن بود، در کنار نقاط ضعفش، باعث شد که صدها تن از عناصر فعال آن (حدود ۶۰۰ تن) کشته شدند و صدها تن نیز به زندان افتادند تا پس از سالها با جسم و جان آسیب دیده آزاد شوند. چنان که بسیاری از فعالین آن نیز که شناخته شده و آواره بودند ناگزیر خود را به تبعیدگاهی دور یا نزدیک رساندند.

چنین بود که از اوایل سال ۱۳۶۱ به بعد، سازمان پیکار خاموش شد، ضایعه ای که بحث درباره علل درونی و بیرونی آن اینجا نیست و در جای دیگر بدان خواهیم پرداخت.

آنچه مایلم بر آن تأکید کنم این است که:

اولاً از مبارزان پیشین پیکار که جان به در بردند و تعهد خود نسبت به مبارزه کمونیستی را رها نکردند، هیچ کس معتقد نبوده که می شود با دور هم جمع شدن چند نفر ادعای برپایی مجدد يك سازمان را داشت، زیرا این از حد اقل صداقت انقلابی و کمونیستی به دور است؛

دوم اینکه فرجام سازمان پیکار قضا و قدر نبوده است و جریان امور می توانست به نحو دیگری باشد. بنا بر این، جای بررسی و تعیین مسؤولیت ها و درس گیری وجود دارد؛

سوم اینکه امروز جای يك سازمان پیکار با پویایی، صداقت و رادیکالیسم اش که مناسب تحولات ایران و جهان نیز تغییر و تکامل یافته باشد هم اکنون خالی ست. گمان می کنم رادیکالیسمی که امروز در طرد طبقاتی و ایدئولوژیک رژیم در جامعه ایران رو به گسترش است و توجه بیشتری که به تئوری سوسیالیسم و بحران راههای برون رفت از سرمایه داری ابراز می گردد، همچنین اهمیتی که به نقش کارگران و زحمتکشانشان داده می شود از رادیکالیسم جنبش در گذشته که دستاوردهش متعلق به گروه خاصی نیست، نیرو می گیرد. از همین جا ست که "اندیشه و پیکار" خود را ادامه آن سنت انتقادی و تکامل آن می داند و بخشی از فعالیت خود را به انتشار اینترنتی سرگذشت و آرشیو سازمان پیکار اختصاص داده است.

آن دسته از مردم که رادیکالیسم یعنی، به گفته مارکس، "دست بردن به ریشه ها" را هدف دارند مانند فولاد، بنا بر يك اصل علمی، سرگذشت حرارتی خود را حفظ می کنند.